



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴
۲۶ رمضان ۱۴۴۷
۱۶ مارس ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۴۸
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

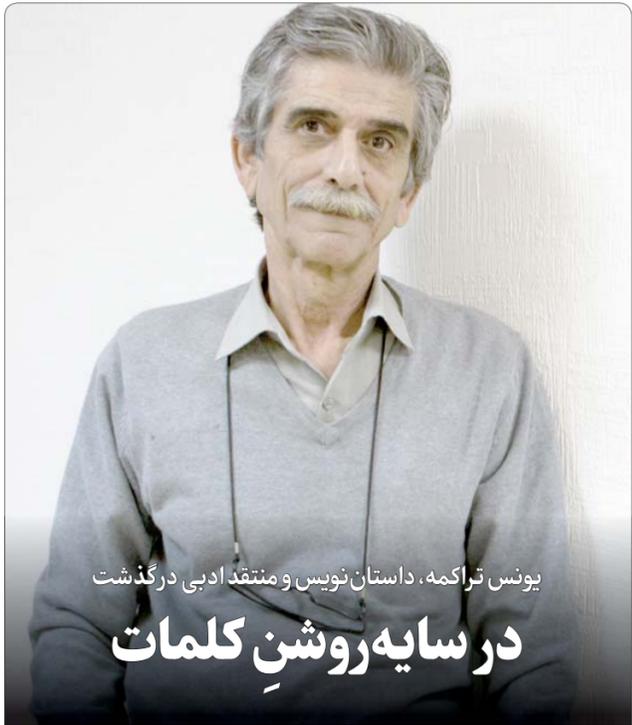
# روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: روایت کسانی که زیر آتش جنگنده‌ها، وداع را رها نکردند • کالبدشکافی قیمت نفت در تنش‌های خاورمیانه / امیررضا اعطاسی • تاریخ زیر آتش / سعید خادمی

روایت کسانی که ماندند و رفتند؛ از باران سیاه تا شهر خلوتِ نزدیک عید

# تهران در سایه جنگ

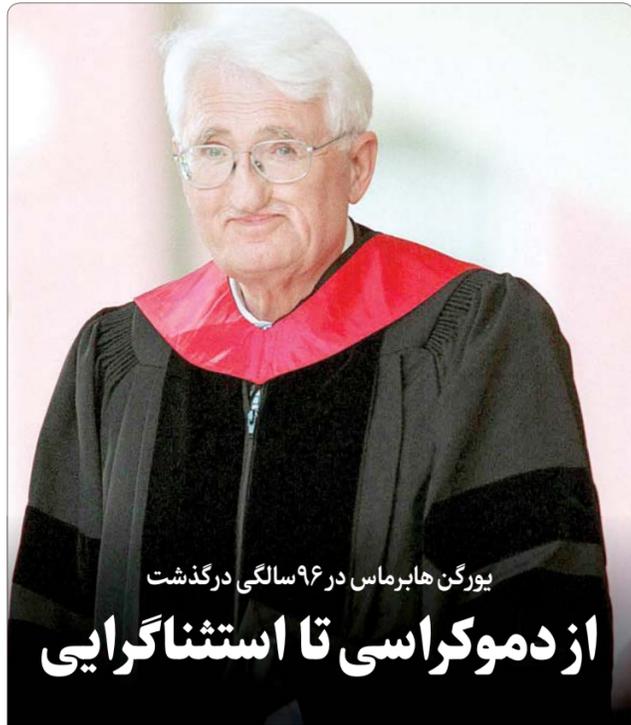
این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید



یونس تراکمه، داستان‌نویس و منتقد ادبی درگذشت

## در سایه روشنی کلمات

این گزارش را در صفحه ۷ بخوانید. عکس: عباس کوثری



یورگن هابرماس در ۹۶ سالگی درگذشت

## از دموکراسی تا استثنائگرایی

این گزارش را در صفحه ۷ بخوانید. عکس: Gettyimages



گزارش «شرق» از ادامه تلاش‌های میانجیگرانه برای پایان دادن به درگیری‌ها

## دیپلماسی در هزارتوی جنگ

۲

### برگزیده‌ها

روایت آدم‌ها از ۱۷ روز جنگ

### شب‌های موشکباران

کی‌یف در ازای آموزش مقابله با پهپادها خواهد دریافت پول و تکنولوژی است

### سایه جنگ

### در خاورمیانه بر کی‌یف

چرا ایران در جنگ فرسایشی دست بالا را دارد؟

### ابتکار تهران

### بن بست واشنگتن

ششمین سالروز درگذشت همراه همیشگی‌مان محمد امیرمظاهری را در حالی گرامی می‌داریم که کشور آماج حملات سهمگین دشمن است. در این روزها بیش از همیشه به یادش هستیم. او عاشق ایران بود و اگر بود همچون همیشه غصه‌دار وطن بود. یاد محمد امیرمظاهری همواره گرامی باد. به امید صلح و سرفرازی برای ایران و ایرانیان



### یادداشت

#### درنا

برای درناهای سفید و مظلوم میناب



فریدون عموزاده خلیلی

داستان دختری را نوشته بودی که دوست نداشت کیف صورتی داشته باشد. نوشته بودی ولی پدرش که برایش کیف صورتی خریده بود، مجبور شد کل روی دریا کند تا کیف دیگری برایش بخرد که رنگش را دوست داشت.

پرسیدم: خودت هم کیف صورتی دوست نداری؟  
خندیدی و دندان‌هایت پیدا شد؛ منظم نبودند، شاید یادگاری از دوره دندان شیری.  
گفتم: پس کیف چه رنگی دوست داری؟  
گفتی: توی داستانم نوشتم، مگه نخوندی؟  
مچم را گرفته بودی. چرا، خوانده بودم، ولی یادم رفته بود یا خیال نمی‌کردم تو داستان خودت را نوشته باشی.

اما تو همیشه داستان خودت را می‌نوشتی. حتما مثل داستانی که یک هفته بعد، وقتی من به تهران برگشتم، معلمت برای من فرستاده بود و من حالا دارم در فایل‌هایی که معلمت برایم فرستاده، می‌گردم دنبال داستان دیگری. اگر اسمت را می‌دانستم، حتی اسم کوچکت را، حتما می‌توانستم سریع‌تر داستانت را پیدا کنم. چه‌راهات را اما یادم هست، ولی اسمت را نه، هانیه بودی یا ریحانه؟ مهنا بودی یا حلما؟  
حالا باید تا آخر عمرم خودم را لعنت کنم که چرا زودتر، همان موقع که آن معلم مهربان چندین بار پیگیر داستانت شد، نخواندمش و جوابش را ندادم.  
نه، پیدا نمی‌شود تا این داغ تا ابد روی دلم بماند. میان صدها فایل که ذخیره کرده‌ام چطور داستانتی را پیدا کنم که نه اسمش را می‌دانم و نه اسم نویسنده‌اش را؟ داستانی بی‌مشابه و مثل خودت یگانه و آرام و آبی.  
یادم آمد انکار نوشته بودی آبی. نوشته بودی دختر دوست داشت رنگ کفش آبی باشد یا سرمه‌ای.

### یادداشت

## گروه‌های مسلح مستقر در اقلیم کردستان عراق چه می‌خواهند؟



احسان هوشمند

و آمریکا ترک تخاصم روی داد و آتش‌بس موجب خاموش شدن صدای غرش هواپیماها و موشک‌ها و بمب‌ها شد، به نظر رهبران این سازمان‌ها چه سرنوشتی در انتظار مقرهای این سازمان‌ها در اقلیم کردستان عراق است؟ آیا تاکنون رهبران این سازمان‌ها به چنین احتمالی اندیشیده‌اند؟ اگر سرنوشت جنگ منجر به تغییر ساختاری سیستم سیاسی در ایران نشد، چه سرنوشتی در انتظار آینده این احزاب مسلح در اقلیم کردستان عراق است؟

۱- اگر آتش‌بس برقرار شد و جنگ بیش‌ازاین شعله‌ور باقی نماند، پیامدهای اعلام حضور مسلحانه این سازمان‌ها برای اقلیم کردستان عراق چه خواهد بود؟ آیا تا همین‌جا اعلام آمادگی حضور مسلحانه برای آینده اقلیم کردستان عراق هیچ پیامدی نخواهد داشت؟  
۲- اگر این سازمان‌ها با فرض اینکه با پشتیبانی ارتش آمریکا و اسرائیل توانستند تا حدودی در درون مرزهای ایران ورود کنند، پیامدهای این حضور مسلحانه این گروه‌ها برای مردم و شهروندان کرد مستقر در غرب ایران چه خواهد بود؟ آیا دامنه جنگ و خشونت صدمه و آسیبی متوجه غیرنظامیان نمی‌کند؟ تا چه حد این صدمات گسترده و پرهزینه و جبران‌ناپذیر خواهد بود؟

۳- با هر نوع بی‌ثباتی در درون ایران و به‌ویژه مناطق غربی، نیروهای تکفیری و جریان‌های بنیادگرا وضعیت بالادستی و اثرگذاری بیشتری در مقایسه با سازمان‌های مسلح کردستانی دارند و تجربه حضور این سازمان‌ها در دو دهه گذشته در افغانستان، عراق و سوریه به‌همراه امید به حمایت دیگر تکفیری‌های مستقر در منطقه و نیز تجربه اقدامات بی‌ثبات‌ساز و پرهزینه و خونین این سازمان‌ها هم موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. آیا سازمان‌های مسلح ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق در پی گشادن این نیروها به عرصه جنگ و بمب‌گذاری و عملیات انتحاری هستند؟ یعنی هزینه‌های چنین احتمالی برای کشور و شهروندان کرد در استان‌های غربی جایی در محاسبات آنها داشته است؟ اگر این سازمان‌های مسلح وارد مرزهای کشور شوند، چه میزان از هم‌وطنان ممکن است بر اثر جنگ و ویرانی آواره یا خدای ناکرده کشته و زخمی شوند؟  
۴- آیا شهروندان کرد ایرانی مخالف حضور مسلحانه احزاب در غرب ایران همراه با دیگر وطن‌پرستان ایرانی در برابر چنین رویدادی یعنی حضور مسلحانه در درون مرزهای کشور بی‌تفاوت خواهند بود؟ پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت چنین وضعیتی چه خواهد بود؟

۵- به نظر می‌رسد سازمان‌های مسلح کردستانی مستقر در اقلیم کردستان عراق از گذشته درس نگرفته‌اند و کمپ‌نشین‌ی و انتظار دخالت خارجی به رویه‌ای معمولی برای این سازمان‌ها مبدل شده است. ایرانیان به‌ویژه کردها همچنان در حافظه تاریخی خود پیامدهای حضور این سازمان‌ها در دهه‌های نخست پس از انقلاب در منطقه را فراموش نکرده‌اند و به خاطر دارند که درگیری‌های مسلحانه در کردستان گذشته از عواقب فوری و کشت و کشتار و ویرانی و آوارگی و مرگ و تخریب و بحران، برای بلندمدت نیز ضربات محسوسی به روند توسعه و عمران و آبادی این منطقه وارد کرد. چرا این سازمان‌ها می‌خواهند آزموده را دوباره بیازمایند؟ که آزموده را آزمودن خطاست.

هم‌زمان با واپسین روزهای سال ۱۴۰۴ خورشیدی، جنگ و حملات آمریکا و اسرائیل به‌شدت استمرار دارد و همچنان هیچ طرح یا ابتکار عمل واقعی برای ترک مخاصمه در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای روی میز قرار ندارد و به جز دعوت برخی کشورهای اروپایی و منطقه‌ای یا سازمان‌های بین‌المللی مبنی بر کاهش تنش‌ها و حملات به‌ویژه در منطقه، صدای واضح و آشکار و اثرگذاری برای میانجیگری شنیده نمی‌شود و هیچ ابتکاری از جمله اعزام میانجی یا سفر مقامات دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به ایران یا آمریکا با هدف یافتن راه‌حلی برای پایان مخاصمه کنونی طرح نشده اما این وضعیت آیا به معنای آن است که امیدی به ارائه راه‌حل دیپلماتیک نیست؟ تصور نمی‌کنم پاسخ به این پرسش کاملا منفی باشد. به نظر می‌رسد استمرار این وضعیت با درنظرگرفتن برخی متغیرها می‌تواند زمینه‌ساز طرح یک ابتکار عمل مؤثر برای مدیریت این شرایط دوباره جنگی باشد. شاید هم ترامپ شخصا به این نتیجه برسد که آتش‌بسی را اعلام کند! البته چنین افقی امروز دیده نمی‌شود. در شرایط ملتهب فعلی گمانه‌زنی‌های زیادی درباره آینده جنگ و احتمالات پیش‌روی در حوزه عمومی و رسانه‌های طرح شده است. استفاده ابزاری آمریکا و اسرائیل از گروه‌های مسلح قومی مستقر در اقلیم کردستان عراق از جمله گمانه‌زنی‌هاست که در رسانه‌های جمعی بین‌المللی دوباره و با ابعاد بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. هرچند در روزهای گذشته پس از چند نوبت تغییر در گفتار ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا گفت علاقه‌مند به استفاده از ابزار سازمان‌های مسلح کُردی نیست و وزیر امور خارجه ترکیه نیز به‌صراحت از تلاش این کشور برای راضی‌کردن آمریکا مبنی بر استفاده‌نکردن از این اهرم پرهزینه در سطح منطقه‌ای برده برداشت. اما به دلیل بی‌ثباتی مواضع ترامپ این‌گفته و مواضع او چندان جدی گرفته نشد. به‌ویژه آنکه برخی از مسئولان سازمان‌های مسلح کردستانی که سابق بر این با رویکرد مارکسیستی و حتی مانوئیستی خواسته‌های خود را تعقیب می‌کردند، در گفت‌وگو با رسانه‌های غربی گفته‌اند «اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد از احزاب کرد حمایت و آنها را محافظت کند، ما می‌توانیم نقش بسیار مهمی ایفا کنیم. ما می‌توانیم آغازگر آزادی باشیم- نه به معنای کلاسیک آن- می‌توانیم نیروهای ایرانی را کنار بزنیم و کنترل شهرها در مناطق کردنشین را در دست بگیریم». چنین موضع‌گیری‌هایی آن‌هم از طرف مسئولان سازمان‌های مسلحی که کارنامه خونینی از رقیابت با دیگر سازمان‌های مسلح کردستانی در کارنامه خود دارند، از چند جنبه حائز اهمیت است.

۱- مشخص و روشن است که برای چنین سازمان‌های مسلحی

### ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

### سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹